
❖

دوازدہ سال بردگی

❖

به روایت: سالومون نورثاپ

مترجمان:

فرناز گنجی - دکتر محمد باقر اسمعیل پور



سرشناسه: نورتاپ، سالومون، ۱۸۰۸ - ۱۸۶۳ م.
 عنوان و نام پدیدآور: دوازده سال بردگی / سالومون نورتاپ، مترجمان،
 فرناز گنجی - محمدباقر اسمعیل پور
 مشخصات نشر: تهران: انتشارات جامی، ۱۳۹۳
 مشخصات ظاهری: ۲۸۸ ص
 شابک: 978-600-176-108-9
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: Twelve Years a slave, 2014
 موضوع: بردگان -- سرگذشت نامه -- قرن ۱۹ م.
 شناسه افزوده: اسمعیل پور، محمدباقر، - ۱۳۴۴ - مترجم
 شناسه افزوده: گنجی، فرناز، - ۱۳۶۱ - مترجم
 رده بندی کنگره: E۴۴۴/ن۹۵۹ ۱۳۹۳
 رده بندی دیویی: ۳۰۶/۳۶۲۰۹۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۹۴۷۸۱



خیابان دانشگاه، چهارراه وحید نظری، شماره ۵۲

تلفن: ۶۶۴۰۰۲۲۳

www.Jamipub.com

info@jamipub.com

دوازده سال بردگی

سالومون نورتاپ

مترجمان: فرناز گنجی - محمدباقر اسمعیل پور

چاپ اول: ۱۳۹۳

شمارگان: ۵۰۰

چاپ: فراین

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۱۷۶ - ۱۰۸ - ۹

ISBN: 978 - 600 - 176 - 108 - 9

۱۲۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	مقدمه مترجمان
۱۰	مقدمه ویراستار
۱۳	فصل اول
۲۱	فصل دوم
۲۹	فصل سوم
۴۰	فصل چهارم
۵۰	فصل پنجم
۶۱	فصل ششم
۷۱	فصل هفتم
۸۵	فصل هشتم
۹۶	فصل نهم
۱۰۷	فصل دهم
۱۲۰	فصل یازدهم
۱۳۴	فصل دوازدهم
۱۴۶	فصل سیزدهم
۱۵۹	فصل چهاردهم
۱۷۳	فصل پانزدهم

۱۸۷	فصل شانزدهم
۱۹۹	فصل هفدهم
۲۱۱	فصل هجدهم
۲۲۲	فصل نوزدهم
۲۳۶	فصل بیستم
۲۴۵	فصل بیست و یکم
۲۶۲	فصل بیست و دوم
۲۷۲	ضمائم

مقدمه‌ی مترجمان

بردگی! مفهومی که در جامعه ما خیلی آشنا نیست و شاید ارباب و رعیتی چند دهه پیش روستاها را در ذهن متبادر می‌سازد و آن هم برای کهنسالان با اصل و نصب کشاورز. طبیعی است که در کتب و فیلم‌های سال‌های ۴۰ شمسی ردی از این واژه و کلماتی نظیر خان و نوکر می‌توان یافت که در شبیه سازی با برده‌داری سیاهان، قیاس مع الفارق است. یادآوری همین پی‌رنگ کمرنگ بردگی در رمان‌ها و بالطبع فیلم و سریال‌های سال‌های اخیر، به مذاق خوش نمی‌آید و مخاطبان وسیعی را در بر نمی‌گیرد زیرا، مفهوم بردگی و برده‌داری با شعور و درک جامعه در چالشی است که حتی در قالب کتاب و نمایش نیز مقبولیت ندارد و یادآوری آن، نوستالژی درد و رنج اجتماعی است که برای نسل‌هایی که از موضوع فاصله دارند نیز، خوشایند نیست. این در حالی است که در پیشینه‌ی ایرانیان داریم که کوروش برده‌داری را در ایران لغو کرده و قانون منع برده‌داری را در ایران رسمی کرد، و این قانون در تمام عصر باستان، ساری و جاری بوده است. کوروش در این قانون وعده داده است که اجازه نمی‌دهد برده‌داری در کشورش (با گستره آن روز ایران) انجام بشود. دوازده سال بردگی زندگیتامه خود نوشت سالومون نورثاپ است، سیاهپوستی آزاد که در قرن نوزدهم میلادی (۱۸۴۱ تا ۱۸۵۳) در جنوب آمریکا فریب داده شده، دوازده سال از عمرش را در بردگی گذراند، و پس از

آزادی با انتشار کتابی (۱۸۵۵) با همین عنوان و فعالیت‌های دیگر، تلاش کرد به براندازی این رسم کمکی بکند.

اما چه شده است که با گذشت بیش از ۱۵۰ سال از تصویب قانون لغو بردگی یا اعلامیه‌ی آزادی بردگان (Emancipation Proclamation) که بوسیله‌ی آبراهام لینکلن، شانزدهمین رئیس جمهوری ایالات متحده، که آن را در اوج جنگ داخلی آمریکا صادر کرد و سپس در قانون اساسی ایالات متحده آمریکا گنجانند، در آمریکا به یک باره فیلم دوازده سال بردگی، که بر اساس کتاب به روایت سالومون نورثاپ تهیه شده است، به عنوان فیلم برتر اسکار جایزه اول را از آن خود می‌کند؟ این فیلم، هنر ایجاد شوک فرهنگی به جامعه را داشته و کتاب را از رده ۳۲۶ پرخواننده‌ترین‌ها به مرتبه ۱۵ ارتقاء می‌دهد. آیا در این کتاب که با پیشوند «الهام بخش» به دنیا معرفی می‌شود چه پیامی نهفته است که یک باره سرآمد جامعه‌ی نشر می‌شود؟

لازم به یادآوری است که: سال گذشته نیز فیلم آبراهام لینکلن (اسپیلبرگ) و جانگوی رها از بند (تارتاتینو) به موضوع برده‌داری در آمریکا پرداختند و جوایز سینمایی زیادی را از آن خود کردند. امسال هم «دوازده سال بردگی» به کارگردانی سیاه‌پوستی به نام استیو مک کوئین که پیش از این، دو فیلم گرسنگی و شرم که جزو بهترین فیلم‌های صنعت سینما هستند ساخته، جایزه اول آکادمی اسکار را کسب کرد.

دوازده سال بردگی شاهکاری است که پس از کسب اسکار، با افزایش فروش قابل ملاحظه‌ای همراه شد.

این درام تلخ و واقعی که مردم را به شدت به فکر فرو می‌برد، واقعیت‌هایی مثل:

* درد وجدان

* روح انسانیت

* خانواده دوستی

* برابری و صلح

* آزادی

* هم ذات پنداری بردگی توین این روزها

را بر ملا می‌کند. این به معنی همه آن چیزهایی است که امروز در جامعه انسانی با نقصان روبرو است و به دنبال راهی و معبری برای جبران و ترمیم آن، به هر بهانه‌ای دوباره سازی و کوک می‌شود، حتی اگر تمسک به زندگینامه‌ی ۱۵۰ ساله فردی عادی باشد. مگر میلیون‌ها خاطره و بیوگرافی منتشر شده از ریز و درشت جوامع در دست نداریم؟ بطور قطع و یقین داستان زندگی مردمان زیادی در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف به زیور طبع آراسته شده و یا فیلم و سریال‌های زیادی از این دست تولید شده است، که اغلب آن‌ها از درد و رنج و مصیبت‌های بیشماری حکایت می‌کنند و هیچگاه ما را به فکر و انداخته و یا به یاد گرفتاری‌ها و کمبودهای جامعه نینداخته است؟

این هنر کتاب الهام بخش «دوازده سال بردگی» سالومون نورثاپ است؟
توانمندی فیلم سازی بنام استیو مک کوئین است؟
تشنگی بشریت برای مرور کژری‌ها، پستی‌ها و بی اخلاقی‌های نوع بشر و آرزوی زندگی در سرزمین موعود برابری و صلح و آزادی برای همه فرزندان آدم است؟
مخاطب، مخیر به انتخاب یک یا چند دلیل آمده در بالا و یا دلائل دیگری است.

به امید آن روز،

مرداد ۱۳۹۳

فرناز گنجی، محمد باقر اسمعیل پور

مقدمه‌ی ویواستار

هنگامی که ویواستار، شروع به آماده کردن این روایت کرد، فکر نمی‌کرد که ممکن است داستان به کتابی در این اندازه تبدیل شود. با این وجود، لزوم ارائه‌ی همه‌ی حقایقی که به او منتقل شده بود، ایجاب می‌کرد که کتاب حاضر در اندازه‌ی کنونی اش منتشر شود.

بسیاری از گفته‌هایی که در صفحات این کتاب آمده، با شواهد بسیار اثبات و بقیه آن‌ها بر مبنای روایت سالومون تنظیم شده‌اند. دست کم ویواستار، که فرصت یافتن تقابلهای تضادها را در گفتار او دارد، متقاعد شده که او حقیقت مطلق را بیان کرده است. او این داستان را چندین بار تعریف کرده است، بدون آن که در جزئیات آن کوچک‌ترین تغییری مشاهده شود. همچنین او، با دقت دست نوشته‌ها را بررسی کرده، و هر جا که کوچک‌ترین اشتباهی رخ داده، آن را تصحیح کرده است.

سالومون این شانس را داشت که در دوره‌ی اسارتش، در خدمت چندین ارباب باشد. برخوردی که در «پاین وودز» با او می‌شود، نشان می‌دهد که در میان برده‌داران کسانی هستند که از انسانیت بهره دارند، همچنان که برخی از آنان بیرحم‌اند. از بعضی از آن‌ها با احساس قدرشناسی، و از بعضی دیگر به تلخی یاد می‌شود. برخی از مردم باور دارند که گزارش تجربه‌ی او در بایو بوف، که در ادامه خواهد آمد، تصویر واقعی برده‌داری را، به شکل کنونیش

در آن منطقه، با همه‌ی سایه روشن هایش نشان می‌دهد. ویراستار گواهی می‌دهد که به دور از هر گونه تعصب، تمایل یا تبعیضی، داستان واقعی زندگی سالومون نورنایپ را، همان طور که از زبان او شنیده، نقل می‌کند. اگر خطاهای بی شمار موجود در سبک، و عباراتی که باید در آن گنجانده می‌شد ولی از قلم افتاد، نادیده گرفته شود، ویراستار فکر می‌کند که در دست یابی به اصل هدفش موفق بوده است.

دیوید ویلسون

وایت هال، نیویورک، ماه می ۱۸۵۳